

یاقوت حموی در مطالعات شرق شناسان

محمدجعفر اشکواری^۱

سید محسن سیدی^۲

معصومه حسنزاده^۳

چکیده

رویارویی غرب و شرق در تاریخ پیامدهای زیادی برای هر دو داشته است. شرق شناسی یا مطالعات مربوط به شرق یکی از نتایج این برخوردهاست که در آن غربی‌ها به تحقیق در همه شئون زندگی، فرهنگ و تمدن شرقی‌ها پرداخته‌اند. مطالعات اسلامی یکی از دستاوردهای شرق شناسی است که به مطالعه درباره فرهنگ و تمدن اسلامی اختصاص دارد. مطالعه منابع جغرافیایی در تمدن اسلامی یکی از حوزه‌ها و زمینه‌های مطالعات اسلامی به شمار می‌رود که در آن آثار جغرافیایی از سوی پژوهشگران بازنگاری، تصحیح و منتشر شده‌اند. یاقوت حموی از جغرافیانگاران است که آثار و شیوه نگارش وی بسیار مورد توجه شرق شناسان قرار گرفته و مطالعات زیادی را به خود اختصاص داده است. معجم البلدان، معجم الادب، مرادالاطلاع و اسماء الامکنه و البقاع و المشترك وضعاً و المفترق صقعا از جمله آثار یاقوت حموی به شمار می‌روند. فرهنگ‌نامه معجم البلدان که در آن به توصیف شهرها و مناطق قلمرو جهان اسلام به ترتیب حروف الفبا پرداخته شده است همچنین استفاده از منابعی که اکنون در دست نیستند توجه بسیاری را به خود معطوف ساخته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به مطالعات شرق شناسان درباره آثار یاقوت حموی اختصاص دارد که نشان می‌دهد بعد از تحقیق راسموسن (Rasmussen) (۱۸۱۴ م) و فران (Frahm) (۱۸۲۳ م) بر روی معجم البلدان، یاقوت حموی و آثار وی به تدریج مورد توجه قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: مطالعات اسلامی، یاقوت حموی، شرق شناسان.

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان Ashkevari@znu.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان Seyedi2007@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان Hasanzade.m@znu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۱۲

محققان درباره مفهوم شرق‌شناسی تعریف‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند که علت آن وجود جلوه‌های گوناگون شرق‌شناسی در دوره‌های مختلف تاریخی و مناطق متعدد بوده که موجب شده هر نویسنده‌ای تعریف خاصی برای استشراف ارائه نماید که منطبق با مشاهدات و معلومات خود مؤلف بوده است، به همین دلیل تعریف‌های فراوان و متفاوت ارائه شده است، تا آنجا که برخی کارشناسان استشراف تدوین یک تعریف دقیق جامع و مانع را برای استشراف محال دانسته‌اند (زمانی، ۱۳۸۶: ۴۴). در یک تعریف کلی می‌توان شرق‌شناسی را به معنی عنایت غرب به مطالعه در احوال و اوضاع و تاریخ و تمدن و فرهنگ و سایر شئون حیات شرق دانست (اسعدی، ۱۳۸۱: ۲۵ نیز نک: الویری، ۱۳۹۱: ۲۰). از دیگر واژه‌هایی که در این باره مطرح می‌شود واژه شرق‌شناس است که برای نخستین بار در زبان انگلیسی در حدود سال ۱۷۷۹ م و در فرانسوی در سال ۱۷۹۹ م به کار رفته است. متداول‌ترین مفهوم شرق‌شناس شخصی است که راجع به شرق آموزش می‌دهد، چیزی می‌نویسد و یا اینکه به پژوهش می‌پردازد. حال چه آن شخص انسان‌شناس، جامعه‌شناس، مورخ یا زبان‌شناس باشد، به کاری که مشغول است شرق‌شناسی گویند (همتی گلپان، ۱۳۸۶: ۱۱). مباحث مربوط به شرق‌شناسی از مهم‌ترین رشته‌های مطالعاتی است که در دوران جدید شکل گرفته و اندیشمندان غربی فعال در این زمینه مدعی هستند که با پژوهش‌های عینیت‌گرا در مورد شرق توانسته‌اند نکات و زوایای پنهانی را به شرقیان بشناسانند که شرقیان خود توانایی رسیدن به آن را نداشته‌اند. در میان پژوهشگران درباره نقطه آغاز مطالعات شرق‌شناسی اجماع نظر وجود ندارد. برخی اندیشمندان تاریخچه مطالعات شرق‌شناسی را بسیار قدیمی دانسته و آغازگر آن را هرودت و مطالعات وی در مورد ملت‌های شرقی قلمداد می‌کنند. برخی دیگر، از جمله ادوارد سعید، نیز با



بررسی نهادهای مربوط به شرق‌شناسی آغاز شرق‌شناسی را پیدایش کرسی‌های دانشگاهی در زمینه مطالعات عربی، یونانی، عبری و سریانی در دانشگاه‌هایی همچون پاریس، آکسفورد، اوپینون و ... بر اساس تصمیم شورای کلیسای وین در سال ۱۳۱۲ م می‌دانند (ولایتی، ۱۳۸۹: ۲۲۱-۲۲۰).

مباحث شرق‌شناسی شامل همه مسائل مربوط به کشورهای شرقی و بخصوص جوامع اسلامی می‌شود و همه علوم موجود در تمدن اسلامی از طرف شرق شناسان مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته‌اند. اسلام‌شناسی نیز بخشی از قلمرو شرق‌شناسی است که پیشینه تاریخی بلندی دارد. جغرافیای اسلام‌شناسی شرق‌شناسی بسیار گسترده است و می‌توان گفت که شرق‌شناسی تا آنجا که فهمیده و شناخته و توانسته به سراسر قلمرو گسترده علوم و معارف اسلامی سری زده و چیزی گفته و نوشته است. آثار اسلام‌شناسی شرق شناسان با یکدیگر تفاوت صوری و کمی دارند ولی در محتوا و کیفیت و جهت و قضاوت و نتیجه‌گیری یکسان‌اند (الدسوقی، ۱۳۷۶: ۲۷). از نظر شرقیان مطالعات شرق‌شناسی با اهداف مختلفی صورت گرفته است که این اهداف شامل مقاصد علمی، تجاری و سیاسی است (زقزوق، ۱۳۹۲: ۹۱-۸۵).

مطالعات شرق‌شناسی از آغاز تاکنون نتایج مختلفی هم برای مسلمانان و هم غربیان داشته است. اما نکته‌ای که درباره این مطالعات مشهود است بدینی شرقیان و بخصوص مسلمانان به این مطالعات است. شرق شناسان به‌عنوان افرادی خارج از دین و با اندیشه‌های ضد دینی و با جهان‌بینی خاص خود درباره دین و اعتقادات اسلامی مسلمانان مطالعات خود را انجام داده‌اند که بدینی مسلمانان را به این مطالعات در پی داشته است. با این حال نمی‌توان کل مطالعات شرق‌شناسی را با دید منفی نگرست. این مطالعات نکات مثبتی هم برای تمدن اسلامی در پی داشته است از جمله آن‌ها تلاش و تکاپوی مسلمانان برای مطالعه و پاسخ دادن به برخی از شبهات



شرق شناسان که منجر به ایجاد آثار زیادی در زمینه‌های مختلف شرق شناسی در تمدن اسلامی شده است. همچنین در برخی زمینه‌ها چاپ و تصحیح بسیاری از متون اسلامی و همچنین ترجمه آن‌ها به زبان‌های اروپایی باعث ماندگاری این آثار و مانع از بین رفتن بسیاری از آن‌ها شده است.

یکی از علومی که در تمدن اسلامی از این مطالعات نصیبی برده، دانش جغرافیا است. با توجه به عدم پیوند مستقیم و آشکار جغرافیا با مفاهیم و مسائل ارزشی و عقیدتی، فعالیت‌های مستشرقان در این زمینه تقریباً از کج فهمی‌ها و شبهه افکته‌ها خالی است و صرف نظر از انگیزه‌های پنهان آن‌ها، اقدامات انجام شده در این حوزه نوعی خدمت برای احیا و شناساندن آثار نویسندگان مسلمان در زمینه جغرافیای انسانی و طبیعی و نجومی به شمار می‌رود (الویری، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

جغرافیا در تمدن اسلامی

تئودور نولدکه درباره جغرافیا نزد مسلمانان گفته است که این علم از بسیاری جنبه‌ها شکفتگی بیشتری در ادبیات عرب داشته است. این اظهار نظر نشان دهنده نوع نگاه مستشرقان به این شاخه از علم در تمدن اسلامی است و بر همین اساس از بدو ارتباط مستقیم اروپائی‌ها با منابع عربی، مستشرقان به جغرافیای وصفی و نجومی (ریاضی) اهتمام ویژه داشته‌اند و برای درک ابعاد و اقتباس از آن برای انتقال به غرب کوشیده‌اند (الویری، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

آغاز علم جغرافیا در میان مسلمانان مانند دیگر رشته‌های علوم اوایل، همچون ریاضی، پزشکی و نجوم تکیه بر میراث تمدن‌های پیشین به‌ویژه یونان، ایران و هند بود. آنان با مطالعه و ترجمه آثار آن‌ها توانستند این دانش‌ها را گسترش دهند. جغرافیای علمی در فرهنگ اسلامی در دوران خلافت منصور عباسی آغاز و به‌ویژه در دوران خلافت مأمون تشویق شد. در عصر خلافت مأمون جغرافیا بسیار پیشرفت کرد. اندازه‌گیری



یک درجه از قوس کره زمین، تهیه جداول نجومی و نقشه‌های مختلف جغرافیایی، از جمله این پیشرفت‌ها به شمار می‌آیند. پیش از سده سوم هجری نوشته‌های جغرافیایی مستقلی وجود نداشت، اما سده سوم هجری دوران نوآوری و پیشرفت دانش جغرافیا در تمدن اسلامی است. زیرا در این سده از یک‌سو، آشنایی با آثار بطلمیوس صورت گرفت و به دنبال آن، ترجمه‌هایی پدید آمد که رشته جغرافیای علمی با آن آغاز شد. از یک‌سو نمونه‌های گوناگون جغرافیای وصفی به وجود آمد و در اواخر همین سده، آثار جغرافیایی چندی تألیف شد و سفرنامه‌های گوناگونی نیز به نگارش درآمد. در سده چهارم هجری با پیدایش مکتب‌های جغرافیای اسلامی که به وصف «مسالک و ممالک» اهمیت ویژه می‌داد و با اطلس اسلام یعنی بهترین نمونه‌های ترسیم جغرافیایی ارتباط نزدیک داشت، نوشته‌های جغرافیایی به اوج رسید (ولایتی، ۱۳۸۹: ۶۳-۶۲؛ نیز نک: قرچانلو، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۴-۹).

از دیگر دلایل پیشرفت این علم امکان مسافرت کردن از اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر، بی‌آنکه ناگزیر از عبور از مرزی واقعی باشند، و نیز حج سالانه خانه خدا - که در آن فرصت سفر طولانی و نیز برخورد با مردمان سایر نواحی جهان آن زمان برای مسلمانان فراهم می‌آمد - که در ازدیاد معلومات جغرافیایی دانشمندان اسلامی تأثیر فراوان داشته است (نصر، ۱۳۸۸: ۸۷-۸۶). علاوه بر این بعضی جغرافی نویسان اسلامی علاقه خاصی به مشاهده و تجربه شخصی نشان می‌دادند. ازین رو غالب اطلاعات آن‌ها ناشی از تجربه و مشاهده بود نه از نقل مندرجات کتب دیگر. اتکا به تجربه شخصی و میل به مسافرت و تحقیق سبب شد که مسلمین در زمینه جغرافیا معلومات نسبتاً دقیق کسب کنند بخصوص که، هم فعالیت بازرگانی ازین معلومات استفاده حاصل می‌کرد هم در معرفت مسالک و طرق، جهت مقاصد مربوط به برید و نظام عباسی سودمند بود و هم در حج و زیارات ازین اطلاعات استفاده می‌شد

(زرین کوب، ۱۳۹۲: ۷۸-۷۷).

آثار و تحقیقات مسلمین در جغرافیا از جهات مختلف اهمیت دارد. غیر از وصف طرق و بیان احوال و عوارض طبیعی، مسلمین علاقه خاصی هم به جغرافیای انسانی نشان داده‌اند. سرگذشت‌های افسانه آمیز ملاحان که گاه به وسیله آن‌ها نقل می‌شود، آکنده از اطلاعات مفید راجع به وصف منازل و راه‌ها و بندرها و آداب و رسوم است. سیاحت نامه‌ها با وجود علاقه‌ای که به وصف غریب داشته‌اند غالباً روح تحقیق و تجسس مسلمین را نشان می‌دهند. آثار جغرافیایی مسلمین در واقع بسیار غنی، متنوع، آموزنده و جالب است و اگر با ذوق و نقادی از آن‌ها استفاده شود آن‌ها را می‌توان مشحون از اطلاعات و اسناد بسیار سودمند یافت. به‌رحال در جغرافیا، هم وسعت عرصه تحقیقات مسلمین خیلی بیش از یونانی‌ها بود و هم شور و توفیق آن‌ها و از حیث وسعت قلمرو و دقت مواد حاصله هم، علم جغرافیا در نزد مسلمین به مراتب از آنچه نزد یونانی‌ها بود پیش‌تر رفت (همان: ۷۶).

آنچه موجب جمع‌آوری این همه اطلاعات مختلف در زمینه مسائل جغرافیایی می‌شد بی‌شک تا حدی نیز حس کنجکاوی مسلمین و علاقه‌شان به تحقیق در احوال بلاد و اقوام مختلف بوده است. توصیفاتى که جغرافی نویسان مسلمان از بلاد و نواحی قلمرو خلافت کرده‌اند نه فقط جزئیات دقیقی از آنچه به شناخت زمین و اقلیم آن بلاد را داراست بلکه در باب آداب معیشت اقوام مختلف، انواع حرفه‌ها و صنایع، عقاید و السنه آن‌ها نیز اطلاع سودمند در آن‌ها هست. بعلاوه، اطلاعات جغرافیایی مسلمین تنها به حدود قلمرو خلافت محدود نمی‌شد. مسلمانان از طریق راه‌های بحری چین و هند را تا کره - و حتی ژاپن - می‌شناختند و از راه زمین هم تا تبت و آسیای مرکزی و حتی چین نیز معرفت خود را بسط داده بودند (همان: ۷۹-۷۸).



زیست نامه یاقوت حموی

ابوعبدالله (ابوالدري) ياقوت (يعقوب) پسر عبدالله ملقب به شهاب‌الدین است (حموی، ۱۳۸۰: ۱). درباره زادگاه وی برخی از مورخان را در خواندن ترکیب «الحموی مولی» به صورت «الحموی المولد» اشتباهی رخ داده و زادگاه او را حمّاه یا حمّات از بلاد شام شمرده‌اند. شهر مزبور در مقابل حمص و حلب بوده و به سبب لطافت آب‌وهوا مردم آن به زیبارویی شهرت داشته‌اند. در صورتی که یاقوت برحسب نوشته متن‌های معتبر، رومی نژاد بوده و در آن سرزمین متولد شده است (حموی، ۱۳۸۳: ۶). زاد روز او را سال ۵۷۵ ق و مرگ او را در سال ۶۲۶ ق در شهر حلب دانسته‌اند. در کودکی در زادگاهش اسیر شد و به بغداد برده شد. در بغداد مرد بازرگانی از مردم حمّاه او را خریداری کرد که به عسکر پسر بو نصر پسر ابراهیم حموی (م. ۶۰۶) شناخته شده است. او یاقوت کودک را به دبستان فرستاد تا در کار بازرگانی او سود برد. چون یاقوت بزرگ شد ارباب وی او را به جهانگردی برای بازرگانی واداشت (ابن خلکان، ۱۳۸۱: ۴۲۸-۴۲۷). بیشتر عمر ۵۲ ساله این دانشمند در سفرها گذشته است. او بعد از اینکه توسط مولایش آزاد شد به کار رونویسی پرداخت و از نوشتن کتاب‌ها سود مادی و معنوی می‌جست (حموی، ۱۳۸۰: ۲). میان سال‌های ۵۹۵ ق تا ۶۰۳ ق یعنی به مدت هفت سال، سیصد جلد کتاب استنساخ کرد. همین امر سبب شد که از بغداد بیرون نرود و با شمار کثیری از دستداران علم و کتاب آشنا شود (حموی، ۱۳۸۱: ۳). یاقوت هنگامی که از آخرین سفرش از مصر که برای تجارت و خرید فروش به آنجا رفته بود، به حلب درآمد و بیمار شد و در بیستم رمضان سال ۶۲۶ ق در کاروانسرای در بیرون شهر وفات کرد. مدت عمرش کمی بیشتر از پنجاه سال بود و مردم همواره ثناگوی او بودند. کتابخانه خود را به مسجد زیدی در بغداد وقف نمود. عمده تألیفات او در تاریخ و جغرافیاست. او را در نحو و دیگر فنون ادب

نیز آثاری است که چندان مورد توجه نیستند (حموی، ۱۳۸۱: ۶-۵). آثار تاریخی او عبارت‌اند از: «المبدا و المآل» که ابن نجار آن را «السنین» نامیده است. کتاب دیگر «الدول» که فرقش با کتاب پیشین در این بوده که آن برحسب سال‌ها مرتب شده و این برحسب دولت‌ها. یاقوت دو گونه کتاب دارد یکی کتاب‌هایی که ترتیب آن‌ها برحسب حروف الفباست چون «معجم البلدان»، «المشترک و ضعا و المفترق صقعا»، «اخبار الشعراء» و «معجم الادباء» و دیگر کتاب‌هایی که بر این سیاق نیستند. مؤلفات او در نحو عبارت‌اند از: «مجموع کلام ابی علی الفارسی» و دیگر کتاب «الابنیه» که شاید «الابنیه فی اللغه» باشد. نیز کتاب «اوزان الاسماء و الافعال». دیگر کتاب «الرد علی ابن جنی عند کلامه فی الهمزه و الالف من سرالصناعه». یاقوت برخی کتاب‌های مفصل را مختصر کرده، از این قرار: «مختارات کتاب الاغانی» که گزیده‌ای از کتاب «الاغانی» ابوالفرج اصفهانی است. دیگر کتاب «المقتضب فی النسب»، یا کتاب «انساب العرب» است. کتاب «المقتضب» یاقوت مختصر کتاب «جمهره» ابن الکلبی است و هم از آثار ادبی او «اخبار المتنبی» و کتاب «ضرورات الشعراء» است (حموی، ۱۳۸۱: ۷-۶). از میان این آثار تنها چند کتاب باقی مانده که شامل «معجم البلدان»، «المشترک و ضعا و المفترق صقعا»، «مراصد الاطلاع علی امکانه و البقاع» و «معجم الادباء» است که در ادامه ضمن معرفی این کتاب‌ها به فعالیت‌های شرق‌شناسان بر روی هر یک از این آثار اشاره می‌شود.

پژوهش‌های مستشرقان پیرامون آثار یاقوت حموی

-معجم البلدان

نخستین و مهم‌ترین کتاب یاقوت حموی «معجم البلدان» است که در قرن هفتم هم زمان با دو حادثه بزرگ در تمدن اسلامی یعنی حمله مغول و سقوط خلافت عباسیان به نگارش درآمد. وی سفرهای متعددی در جهان اسلام کرد و کتاب خود را که مورد



رجوع فراوان است، هم از مشاهدات شخصی و هم از طریق اقتباس از منابع قدیم‌تر تألیف کرد (نصر، ۱۳۸۸: ۹۱). اگر مؤلف «معجم البلدان» اسامی افرادی که از مطالبشان استفاده کرده نبوده بود از وجود بسیاری از آنان اطلاعی حاصل نمی‌شد (لسترنج، ۱۳۹۰: ۱۷). این کتاب که در سال ۶۲۱ ق / ۱۲۲۴ م به پایان رسید، فرهنگی جغرافیایی از اسامی امکانه، موضوعات تاریخی، نژادشناسی (قوم‌شناسی) و جغرافیای طبیعی است. مقدمه کتاب از وسعت زمین، آب و هوای اقلیم و به طور کلی از جغرافیای سیاسی، ریاضی و طبیعی سخن می‌گوید. علاوه بر این، شامل گزارش‌های مفصلی است درباره سرزمین‌های اسلامی از اسپانیا تا ماوراءالنهر و هندوستان، به همان شکل که یاقوت در سده هفتم / سیزدهم دیده است. یاقوت واژه‌های جغرافیایی را با روایات ادبی و علمی دوره‌های قدیم‌تر موافق ساخته است. او در واقع خلاصه‌ای از دانش جغرافیایی قبل از خود و زمان خودش را ارائه می‌دهد. «معجم البلدان» در واقع نماینده دوره‌ای است که در آن مؤلفان در اندیشه تألیف لغت‌نامه‌هایی بوده‌اند که به پایان رساندن آن‌ها جز با تکیه بر اطلاعات وسیع جغرافیایی گردآمده تا آن زمان و پیروی از روش جغرافیایی شام ممکن نبوده است (قرچانلو، ۱۳۸۷: ۱ / ۱۳۷-۱۳۶). علاوه بر مطالب جغرافیایی، در این کتاب نوشته‌های هنری شش قرن اول هجری نیز انعکاس دارد. همچنین شمار شواهد شعری کوچک و بزرگ که در آن آمده نزدیک پنج هزار است (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۰). اهمیت کتاب او از این جهت است که نمونه‌ای از وسعت فکر و نبوغ کسانی است که با مؤلفات خود بنای عظیم تمدن عربی و اسلامی را بنیاد کرده‌اند (همان: ۶۲۶).

همین که یاقوت نظریه‌ها و مفاهیم جغرافیایی مسلمانان، و نیز حوزه‌های جغرافیای طبیعی و ریاضی را به صورت مقدمه‌ای زیور کتاب خویش ساخته، خود از عمق معلومات جغرافیایی او حکایت می‌کند. کتاب یاقوت همچنین معرف آن دوره از



جغرافیای مسلمین است که پژوهندگان به تدوین فرهنگ‌های جغرافیایی می‌اندیشیدند، و این امری بود که بدون آثار وسیع و دامنه‌دار جغرافیایی، که تا آن زمان فراهم گردیده بود، و نیز بدون سنت جغرافیایی موجود در سوریه، هرگز امکان‌پذیر نمی‌گردید (تشنر، احمد، ۱۳۷۵: ۴۳-۴۲).

مطالب یاقوت فوق‌العاده متنوع است و مانند نمایندگان مکتب کلاسیک در عالم اسلام محصور نمانده و نیز مانند نمایندگان مکتب لغوی برای مواضع جزیره‌العرب اهمیت استثنایی قائل نشده و به جهان اسلام و شرق دور به یک شکل توجه کرده و این قضیه درباره اروپای شرقی و شمالی نیز صادق است. البته مشرق را بهتر از مغرب می‌شناسد، ولی از مغرب نیز گاه اطلاعاتی می‌دهد که نمودار وسعت معرفت وی از اوضاع آنجاست (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۸-۲۶۷). تألیف جغرافیایی او به‌حق ختم دوران پیش از حمله مغول به شمار می‌رود و خود او را نیز به‌صفت بزرگ‌ترین جغرافی‌شناسان آن دوران می‌توان شمرد و فرهنگ وی تا به روزگار حاضر مرجعی موثق و بی‌مانند است (همان: ۲۶۹).

مطالعات شرق شناسان درباره معجم البلدان

در میان مطالعات شرق شناسان تا قبل از آشنایی کامل با آثار یاقوت حموی نام یاقوت گاه و بی‌گاه از طرف دانشوران مکتب خاورشناسی هلند همچون «گولیوس»^۱ در چاپ فرغانی (۱۶۶۹ م) یا «گرونویوس»^۲ در ضمن تحقیق از «پیدایش و تکامل و فایده جغرافیا» یاد می‌شد. «کوهلر»^۳ نیز که قسمت شام جغرافیای «ابن الوردی» را چاپ کرده است (۱۷۷۶ م) او را می‌شناخت. اما توجه به کتاب یاقوت از قرن نهم و هنگامی آغاز شد که به تدریج نسخه‌های آن به اروپا راه یافت. انتشار همه کتاب در همان ابتدا بسیار دشوار بود، زیرا نه فقط معایب سه نسخه شناخته شده آن زمان در کپنهاک و برلن و پاریس، بلکه حجم قطور کتاب نیز مانع این کار بود و تقریباً نیم قرن گذشت



و کسی در اندیشه آن نبود. ولی در این مدت نسخه‌های دیگر کتاب که در پاریس و برلن و لندن به دست آمد مطالعه شد، و نیز دو کتاب دیگر از یاقوت که از فرهنگنامه «معجم البلدان» کم حجم‌تر بود به چاپ رسید. چاپ این دو کتاب کوچک که در حقیقت به منزله مدخل فرهنگنامه است اندیشه چاپ خود آن را به وجود آورد (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۱).

آثار خاورشناسان در زمینه آثار یاقوت حموی به دو شکل تصحیح و چاپ آثار و همین‌طور تحقیق درباره مطالب جغرافیایی در مورد یک دوران یا یک ناحیه انجام شده است. این آثار به ترتیب زمان مؤلفان آن‌ها به شرح زیر است:

«فران ۲» (۱۷۸۲-۱۸۵۱) اولین کسی بود که درباره یاقوت نوشت و او را معرفی کرد (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۱). او از خاورشناسان آلمانی است که «رساله ابن فضلان» را از «معجم البلدان» به لاتینی ترجمه و منتشر کرد (العقیقی، ۱۹۶۴: ۹۳۳-۹۳۴).

«فرایتاگ ۴» (۱۷۸۸-۱۸۶۱) از شرق‌شناسان آلمانی که زبان‌های ترکی و فارسی را از «دوساسی» خاورشناس در فرانسه آموخت. از فعالیت‌های او در شرق‌شناسی همکاری با «ووستنفلد» در چاپ کتاب «معجم البلدان» در ۶ جلد همراه فهرست و حواشی در لایپزیک در سال ۱۸۶۶-۱۸۷۳ است (العقیقی، ۱۹۶۴: ۶۹۷-۶۹۸).

«سنکوفسکی ۵» (۱۸۵۸-۱۸۰۰) اهل بولونی و متخصص زبان عربی و استاد دانشگاه پترزبورگ در سال‌های ۱۸۲۲-۱۸۴۷ بود (مراد، ۲۰۰۴: ۶۹۴). از آثار او انتشار ترجمه روایت یاقوت درباره تفلیس در سال (۱۸۳۸) است که درباره یاقوت گفت: «نویسنده دقیق‌کوشایی است که حفظ آثاری گران‌قدر از تاریخ و جغرافیای قرون وسطا را به او مدیونیم. او در ادامه می‌افزاید یاقوت در کار تحقیق اوضاع جغرافیایی و نژادشناسی و سیاسی دوران خویش غیرت و شور فراوان به کار برده است» (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۱).

«ووستنفلد» (۱۸۰۸-۱۸۹۹) خاورشناس آلمانی که متخصص در زمینه زبان‌های شرقی، تاریخ اسلام و ادبیات عربی است؛ خدمات زیادی به زبان عربی و مطالعات اسلامی انجام داده است و حدود ۲۰۰ اثر از او باقی است (زرکلی، ۲۰۰۲: ۹۹/۸). او نخستین کسی است که کتاب‌هایش همراه با فهرست‌های تفصیلی و تلاش گسترده برای تحقیق اسامی اعلام و اماکن و ارجاعات بوده است. وی در زمینه جغرافیا در تمدن اسلامی که محور اصلی فعالیت‌هایش بود «معجم البلدان» یاقوت حموی را تصحیح و طی سال‌های ۱۸۶۶ تا ۱۸۷۳ م. چاپ کرد (الویری، ۱۳۹۱: ۱۶۶-۱۶۵). چاپ کتاب که در شش جلد انجام گرفت یکی از خدمات بزرگ و شاید بزرگ‌ترین خدمت ووستنفلد نسبت به دانش اسلام‌شناسی بود. کار ووستنفلد سنگ اساسی مطالعه در شخصیت یاقوت و مطالب کتاب او بود. فهرست‌هایی که جلد ششم را بدان اختصاص داده است اهمیت فراوان دارد. در این جلد درباره منابع یاقوت و مخصوصاً منابع اطلاعات تاریخی و جغرافیایی کتاب و مشخصات مؤلفانی که از آن‌ها نقل کرده تحقیق شده است. در نتیجه چاپ متن کامل کتاب، بسیاری از منابع آن که تا مدت‌ها بعد به‌طور مستقل به دسترس نبود، همچون مؤلفات «ابن کلبی»، «ابن فضلان»، «ابودلف»، «ابن بطلان»، و مؤلفان دیگر، شناخته شد (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۲-۲۶۱).

از دیگر آثار او سفرهای یاقوت حموی بر اساس گزارش «معجم البلدان» است که در این تحقیق ووستنفلد شرح زندگی او و ذکر سرزمین‌هایی که یاقوت شخصاً آن‌ها را دیده است انجام داده است. اثر دیگری نیز با عنوان توصیف نویسندگان و دانشمندان از یاقوت حموی جهانگرد که در نشریه گوتینگن در سال ۱۸۶۵ به چاپ رسید (بدوی، ۱۹۹۳: ۴۰۲-۴۰۱).

«باربیه دومنار»^۷ (۱۸۲۸-۱۹۰۸) از خاورشناسان فرانسوی که با زبان‌های فارسی و



عربی و ترکی آشنایی داشت و خدماتی به معارف و تاریخ و علوم و ادبیات شرق نمود. ترجمه و تألیفات زیادی انجام داده است که از جمله آن‌ها فرهنگ تاریخی و جغرافیایی و ادبی به زبان فرانسه است (سحاب، ۱۳۱۷: ۵۴). این کتاب شامل مطالب مربوط به ایران در کتاب «معجم البلدان» به‌ضمیمه «نزهة القلوب» حمدالله مستوفی و نویسندگان بعد است که به نام فرهنگ ایران در سال ۱۸۴۸ در پاریس ترجمه و چاپ شده است (لسترنج، ۱۳۹۰: ۱۸)

«مدنیکوف»^۸ (۱۸۵۵-۱۹۱۸) از شاگردان «بارون فون روزن»^۹ - از بزرگان زبان عربی - بود و جانشین او در کرسی زبان عربی دانشگاه پترزبورگ شد (العقیقی، ۱۹۶۴: ۹۴۲-۹۴۱) در سال ۱۸۹۰ مدنیکوف ضمن کنفرانسی که تاکنون چاپ نشده تحلیلی کلی از فرهنگنامه به عمل آورد و توضیح داد که یاقوت از منابع خویش چگونه استفاده می‌کرده و در کار انتقاد آن چه روشی داشته است (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۲).

«ایگناتی یولیانوویچ کراچکوفسکی»^{۱۰} (۱۸۸۹-۱۹۵۱) شرق‌شناس روسی که در دانشگاه لنین‌گرا د به جمع شاگردان شعبه زبان‌های شرق اسلامی پیوست و چهار سال صرف آموختن زبان‌های عربی، فارسی، ترکی، تاتاری و برخی از زبان‌های سامی چون عبری و به‌ویژه حبشی قدیم کرد. او تاریخ شرق را زیر نظر دانشمند بزرگ «بارتولد» مطالعه کرد و تأثیرات زیادی از مصاحبت با این تاریخ‌دان بزرگ گرفت. در زبان عربی زیر نظر استاد بزرگ خود «ویکتور فون روزن» آموزش دید (کراچکوفسکی، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۲). کراچکوفسکی به چاپ آثاری از عربی و غیره مبادرت کرد و رسایل زیادی به زبان روسی و فرانسه و آلمانی و عربی نوشت و در مجمع علمی عربی دمشق نیز عضویت داشت (سحاب، ۱۳۱۷: ۹۶-۹۵). از آثار او «تحلیل استشهادات شعری در معجم البلدان یاقوت حموی» و «رساله دوم ابی دلف



در معجم البلدان» و «ماه تموز در معجم البلدان» است (مراد، ۲۰۰۴: ۸۸۰-۸۷۹). او همچنین در کتاب «تاریخ نوشته‌های جغرافیایی» در فصلی مجزا به بررسی زندگی، آثار و مطالعات انجام‌شده بر آثار یاقوت حموی پرداخته است.

از دیگر کارهایی که بر روی معجم البلدان انجام‌شده مطالعه‌ای درباره «انعکاس جنگ‌های صلیبی در کتاب یاقوت» است. و نیز یک فهرست منظم از موضوعات ادبی و عامیانه (فولکلور) و نژاد شناسی یاقوت با ذکر مراجعی که از آن مایه گرفته وجود دارد (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۲).

المشترک وضعا و المفترق صقعا

کتاب جغرافی دیگری نیز با نام یاقوت ارتباط دارد. این کتاب که پس از فرهنگ بزرگ و با هدفی خاص تألیف شده، عنوان کتاب «المشترک وضعا و المفترق صقعا» دارد، یعنی فرهنگ جاهایی که نام آن مشترک است. از عبارات خود یاقوت در مقدمه کتاب معلوم می‌شود که آن را از فرهنگ بزرگ استخراج کرده تا مراجعه به آن آسان باشد. مطالب کتاب بسیار مختصر است و همه استطرادهایی که مایه اعتبار منبع اصلی است افتاده و چون پس از فرهنگ بزرگ تألیف شده گاه مطالبی مختصر بدان افزوده شده که در فرهنگ بزرگ نیست. در این‌گونه موارد مراجعه بدان مفید تواند بود. مطالب آن از لحاظ تعداد مفصل است و یک هزار و نود و یک نام مربوط به چهار هزار و دویست و شصت و یک محل جغرافیایی در آن هست (مناهج المستشرقین، ۱۹۸۵: ۸۰).

مطالعات شرق‌شناسان درباره المشترک وضعا و المفترق صقعا

چاپ کتاب «المشترک وضعا و المفترق صقعا» در سال ۱۸۴۶ توسط ووستنفلد انجام شد (مناهج المستشرقین، ۱۹۸۵: ۸۰) چاپ این اثر شامل مقدمه و تعلیقات در ۶۳ صفحه و متن اصلی کتاب در ۴۷۵ صفحه است. چاپ این کتاب یکبار در وین و بار



دیگر در لیدن انجام شد که بین این دو چاپ تفاوت بسیاری است (بدوی، ۱۹۹۳: ۴۰۰).

- مرصدا الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع

کتاب دیگر که عنوان متکلفانه «مرصدا الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع» دارد کار یاقوت نیست، و مختصری از فرهنگ بزرگ است که یکصد سال بعد ظاهراً به وسیله شخصی به نام صفی الدین عبدالمؤمن بن عبدالحکم (متوفی به سال ۱۳۳۸ / ۷۳۹ هـ) فراهم شده و هنوز درباره مؤلف آن اختلاف هست (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۸). «عبدالمؤمن بن عبدالحق بن عبدالله بن علی بن مسعود بن شمائل البغدادی» که معروف به ابن عبدالحق و ابن شمائل بود. او به فقه و اصول و جدل و جبر و مقابله و علم هیئت و تاریخ آشنایی داشت. در آغاز زندگی به کارهای دنیوی مشغول بود اما بعد از مدتی آن را ترک کرد و به علم و دانش و مطالعه و تدریس و نوشتن پرداخت. تا در نهایت در بغداد درگذشت. یکی از آثار او در جغرافی همین کتاب «مرصدا الاطلاع» است (کحاله، ۱۹۹۳: ۳۲۷-۳۲۶). این نویسنده که از دانشمندان عراق بود تعلیقات و تصحیحات سودمندی مخصوصاً نسبت به نقاط اطراف بغداد در این کتاب آورده است (لسترنج، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷).

مطالعات شرق شناسان درباره مرصدا الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع

«رنو^{۱۱}» (۱۸۶۷-۱۷۹۵) خاورشناس فرانسوی که از شاگردان «دوساسی» شرق شناس بزرگ بود. رنو استاد زبان عربی مدرسه زبان های شرقی بود که بعدها ریاست آنجا را به عهده گرفت. آثار زیادی در مطالعه آثار اسلامی از او بر جای مانده است (مراد، ۲۰۰۴: ۶۴۲). از جمله فعالیت های او مطالعه درباره کتاب «مرصدا الاطلاع» است. رنو، متن چاپ شده کتاب را با دقت کامل مطالعه کرد و به این نتیجه رسید که دست کم



سه مختصر یا سه رونویس با یک عنوان وجود داشته که فقط یکی از یاقوت بوده که به ما نرسیده است. با توجه به نظر یاقوت درباره «مختصر نامه‌ها» که در آخر مقدمه فرهنگ بزرگ آمده وجود تألیفی از این گونه متعلق به او مشکوک می‌نماید. رنو مختصر دوّم را از عبدالؤمن مذکور می‌داند و سوّمی را به سیوطی مشهور نسبت می‌دهد (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۸).

«تئودور جوینبول»^{۱۲} (۱۸۰۲-۱۸۶۱) خاورشناس هلندی که علاوه بر جنبه خاورشناسی مردی مذهبی و عالمی روحانی بود و در زبان و لغت عربی تخصص داشت و به همین دلیل تدریس زبان عربی را در دانشگاه لیدن بر عهده گرفت (سحاب، ۱۳۱۷: ۱۹۲). چاپ «مراصداالاطلاع» که مختصر کتاب «معجم البلدان» است از سال ۱۸۵۰ تا ۱۸۵۴ همراه با مقدمه و ترجمه لاتین و تعلیقات و فهارس از آثار او در زمینه شرق‌شناسی است (بدوی، ۱۹۹۳: ۶۳۴-۶۳۳). این کتاب مورد توجه بسیار واقع شد تا آنجا که کار ووستنفلد را در مورد چاپ فرهنگ بزرگ به نسبت زیاد آسان کرد و اکنون نیز از این جهت اهمیت دارد که می‌توان نکات پیچیده فرهنگ بزرگ را به وسیله آن توضیح کرد. اضافات جوینبول بر کتاب مذکور همیشه مفید و پرارزش خواهد ماند (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹: ۲۶۸).

«فلیشر»^{۱۳} (۱۸۰۱-۱۸۸۸) خاورشناس آلمانی که زبان‌های شرقی را در پاریس فراگرفت و در دانشگاه لایپزیک مشغول کار شد و مدت پنجاه سال استاد دروس شرقی آلمان بود. آثار او در زمینه مطالعات شرقی حدود صد کتاب است. او با دانشوران سوریه و شامات همواره مکاتبه می‌کرد و آثار آنان را منتشر می‌کرد (سحاب، ۱۳۱۷: ۱۳۰-۱۲۹). از آثار او در زمینه ادبیات اسلامی شرح و تعلیقات بر کتاب «مراصداالاطلاع» ابن عبدالحق است (العقیقی، ۱۹۶۴: ۷۰۷-۷۰۶).



-معجم الادباء

از مؤلفات دیگر یاقوت حموی « معجم الأدباء » است که از نظر حجم و اهمیت از فرهنگ جغرافیایی « معجم البلدان » کمتر نیست، بلکه از لحاظ مطالب تاریخی و فرهنگی جهان اسلام از آن برتر است (کراچکوفسکی، ۱۳۸۹، ۲۶۹). نام دیگر کتاب « ارشاد الاریب الی معرفه الادیب » است. این اثر در زمره زندگی نامه‌های خاص، از آثار مربوط به قرن هفتم هجری است که در آن شرح حال شخصیت‌های ادبی آن روزگار جهان اسلام، اعم از شعرا و لغویان و اخباریان و نحویان و کتاب و فقها و قرا و حفاظ و خطاطان است که به صورت فرهنگنامه و بر اساس حروف الفبای نام صاحبان ترجمه تنظیم شده است. شرح حال‌ها، برخی مختصر و گاه مفصل و البته بنای مؤلف بر ایجاز و اختصار بوده است (روغنی، ۱۳۸۲: ۱۹۴-۱۹۳).

مطالعات شرق شناسان درباره معجم الادباء

«دیوید ساموئل مارگلیو^{۱۴}» (۱۹۴۰-۱۸۵۸) از خاورشناسان انگلیسی که تحصیلات خود را در مدرسه عالی آکسفورد به اتمام رساند و استاد زبان عربی در مدرسه مزبور شد و در مجمع علمی عربی دمشق نیز عضویت داشت. مارگلیو به زبان عربی و لغت و ادبیات آن اشتغال گزید و چندین کتاب در این زمینه منتشر کرد که از جمله آن‌ها « معجم الادباء » یاقوت حموی است (سحاب، ۱۳۱۷: ۲۲۵-۲۲۴). چاپ کتاب به انگلیسی همراه با فهرس اعلام و کتاب‌ها در ۷ جلد در لیدن بین سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۲۶ انجام شد (مراد، ۲۰۰۴: ۱۰۳۶).

نتیجه گیری

منابع جغرافیایی در جهان اسلام سرشار از مطالب گوناگون جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... است. مطالعات شرق شناسان پیرامون آثار جغرافیای اسلامی



نیز بسیار دقیق و متنوع است که نشان از علاقه و دقت نظر این پژوهشگران به این شاخه از علم در تمدن اسلامی است. آثار شرق شناسان در زمینه جغرافیا و جغرافیانگاری در بسیاری از موارد به دلیل جامع و کامل بودن به عنوان آثار مرجع در بین پژوهشگران مسلمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. مطالعات شرق شناسان درباره آثار یاقوت حموی به عنوان یکی از جغرافیا نگاران جهان اسلام نیز در این دسته قرار دارد. تصحیح و چاپ معجم البلدان توسط ووستنفلد هنوز هم بهترین چاپ این اثر به شمار می‌رود و مورد استفاده بیشتر پژوهشگران است. یا تنها نسخه تصحیح و چاپ شده اثر دیگر یاقوت با عنوان مرصداالاطلاع توسط جوینبول انجام گرفته است. آثار خاورشناسان در این زمینه در کنار تحقیقات علمی مسلمانان باعث شد بسیاری از دستاوردهای جغرافیایی و روش‌های جغرافیانگاری مسلمانان به اروپا منتقل شود.

پی نوشت

1. Jacobus Golius (1596-1667)
2. Jakob Gronovius (1645-1716)
3. Christian Martin Frahn
4. Georg Freytag
5. Ossip Julian Iwanowitsch Senkowski
6. Heinrich Ferdinand Wustenfeld
7. Charles Barbier de Meynard
8. Myadnikov
9. Viktor von Rosen (1849-1908)
10. Ignaty Yulianovich Krachkovsky
11. Joseph Toussaint Reinaud
12. Theodoor Willem Jan Juynboll
13. Heinrich Leberecht Fleischer
14. David Samuel Margoliouth



ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۳۸۱). *منظر الانسان ترجمه و فیات الاعیان و انباء ابناء الزمان ابن خلکان*، ترجمه شجاع سنجرى، احمد بن محمد، ج ۲، ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.

اسعدى، مرتضى (۱۳۸۱). *مطالعات اسلامى در غرب انگليسى زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان (۱۹۶۵)*، تهران: سمت.

العقیقى، نجیب (۱۹۶۴). *المستشرقون*، مصر: دارالمعارف.

الویرى، محسن (۱۳۹۱). *مطالعات اسلامى در غرب*، تهران: سمت.

بدوى، عبدالرحمن (۱۹۹۳). *موسوعه المستشرقین*، بیروت: دارالعلم للملایین.

تشنر، فرانتس و احمد، مقبول (۱۳۷۵). *تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامى*، ترجمه محمدحسین گنجی و عبدالحسین آذرنگ، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامى.

حمدى زقزوق، محمود (۱۳۹۲). *شرق شناسى و پیشینه فکرى برخورد تمدن ها*، ترجمه سید مصطفی زارعى، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامى آستان قدس رضوى.

حموى، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۳). *برگزیده مشترک یاقوت حموى*، ترجمه محمد پروین گنابادى، تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۸۱). *معجم الادباء*، ج ۱، ترجمه عبدالمحمد آیتى، تهران:

سروش.

_____ (۱۳۸۰). *معجم البلدان*، ج ۱، ترجمه علینقى منزوى، تهران:

سازمان میراث فرهنگى کشور.

دسوقى، محمود (۱۳۷۶). *سیر تاریخی و ارزیابى اندیشه شرق شناسى*، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران: نشر هزاران.



روغنی، شهره (۱۳۸۲). کتابشناسی گزیده توصیفی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران: سمت.

زرکلی، خیرالدین (۲۰۰۲). الاعلام، ج ۸، بیروت: دارالعلم للملایین.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۲). کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.

زمانی، محمدحسن (۱۳۸۶). شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، قم: موسسه بوستان کتاب.

سحاب، ابوالقاسم (۱۳۱۷). فرهنگ خاورشناسان، تهران: چاپخانه شرکت طبع کتاب.

قرچانلو، حسین (۱۳۸۷). جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ج ۱، تهران: سمت.

کحاله، عمر رضا (۱۹۹۳). معجم المؤلفین تراجم مصنفی الکتب العربیه، ج ۲، بیروت: موسسه الرساله.

کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۸۹). تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

_____ (۱۳۷۸). لیلی و مجنون: پژوهشی در ریشه های

تاریخی و اجتماعی داستان به انضمام تلخیص و شرح لیلی و مجنون نظامی، ترجمه کامل احمد نژاد، تهران: زوار.

لسترنج، گای (۱۳۹۰). جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.

مراد، یحیی (۲۰۰۴). معجم اسماء المستشرقین، بیروت: دارالکتب العلمیه.

_____ (۱۹۸۵). مناہج المستشرقین فی الدراسات العربیه الاسلامیه، تونس:

المنظمه العربیه للتربیه والثقافه و العلوم.

نصر، سید حسین (۱۳۸۸). علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: علمی

و فرهنگی.

ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۹). فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.

همتی گلین، عبدالله (۱۳۸۶). تاریخچه شرق شناسی: کاوشی در سیر مطالعات

اسلامی در غرب، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.



تاریخنامه خوارزمی - فصلنامه علمی - تخصصی - سال چهارم، پاییز ۱۳۹۵